

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه با سرهنگ آ. آ. سوكولوف (Sokolov)*
برگردان از: ا.م. شیری
۱۷ دسمبر ۲۰۱۶

الکساندر یاکوفلیف مأمور سیا بود و گوربچوف از آن اطلاع داشت

(قسمت پایانی)

- آیا یاکوفلیف به دلیل عضویت در هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از حق مصونیت برخوردار بود؟

- البته، تصمیم هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضروری بود، در این صورت او زندانی می‌شد. اما گوربچوف، تکرار می‌کنم، برای ممانعت از بررسی اطلاعات به واسطه وزارت امنیت ملی در مورد الکساندر یاکوفلیف به هر کاری دست زد.

- حالا که ما در باره کار اداره کل یکم و دفتر "کا" در ترکیب آن صحبت می‌کنیم، موضوعات کتاب خانان، از نوع

اولگ کالوگین (Олег Калугин) ^۱ تا چه حد دقیق است، آیا فعالیت او توصیف شده است؟

- اولگ کالوگین با تحریف واقعیتها و عملیات انجام شده که از قضا، من هم در آن شرکت داشتم، در باره کار اداره ضداطلاعات ما در ایالات متحده آمریکا گستاخانه دروغ می‌گوید. او حوادث واقعی را به سادگی تحریف می‌کند. حوادثی که من بر اساس آنها، کتاب "ابرموش‌کور سازمان سیا در وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی" را تألیف و ثابت کردم که او به استخدام سازمان "سیا" در آمده است.

کالوگین با تشریح کار اداره ضداطلاعات خارجی وزارت امنیت ملی در خصوص خانان در ایالات متحده آمریکا در کتاب خود نوشت، که اطلاعات ما ثابت کرد که آرلوف (Orlov) مأمور کشفیات اتحاد شوروی مقیم انگلستان در سالهای سی از بیم دستگیری در کشور از انگلیس به آمریکا فرار کرد.

اما آرلوف، بعد رفتن به آمریکا با وجود آشنائی با همه اعضای "گروه پنج کمبریج"، هیچ یک از مأموران اطلاعات اتحاد شوروی را لو نداد. زمانی که آرلوف، به گفته کالوگین، از سوی ما شناسائی شد، قبل از همه خود کالوگین در این باره به یوری آندروپوف، صدر امنیت ملی گزارش داد. اما او، از قرار معلوم گفته بود: "ما چه نیازی به این کهنه داریم؟" بهتر است نوسنکو (Носенко) را پیدا کنی و من به تو صلاحیت می‌دهم. اما همه اینها سخنان کالوگین در باره کار تعقیب و شناسائی خانان در میان مأموران سابق وزارت امنیت ملی است. در حالی که نوسنکو، سرهنگ اداره

کل دوم وزارت امنیت ملی، مقیم امریکا و تا هنگام ربوده شدنش به واسطه عوامل او در سوئیس در سال ۱۹۶۴، از سوی مأموران اداره کل یکم در واشینگتن، خود من و عامل من در سال ۱۹۶۱ شناسائی شد. همچنین، سرگرد ضداطلاعات، **آناتولی گالیسین** (Анатолий Голицын) ^۲ را که در سال ۱۹۶۱ به هلسینکی فرار کرد، من شناسائی کردم.

در ضمن، عوامل مخفی اطلاعات ما به عملیات شناسائی نشانی محل سکونت آنها جلب شدند! برای این که در آرلینگتون، رفته با اتومبیل دارای شماره دیپلوماتیک به مقابل منزل نوسکو برای دیدن شماره ماشین او، به همان محلی که از قضاء من در دوره مأموریتم در امریکا در نزدیکی آن ساکن بودم، بسیار دشوار بود. به طوری که آن وقت متوجه شدم، ماشینهای نظارت بیرونی پلیس فدرال (اف بی آی) همیشه مرا تعقیب می‌کردند، به همین سبب، مأمور مخفی اداره کل یکم وزارت امنیت ملی به عملیات جلب شد. پس از آن، مرکز دستور داد، که به جز نظارت مخفی، انجام هیچ کاری در رابطه با او لازم نیست.

اما کالوگین می‌نویسد که او در سال ۱۹۷۴ از طرف یوری ولادیمیراویچ آندروپوف برای تعیین محل سکونت نوسکو، سپس بی‌اثر کردن او موظف شد! در حالی که اداره ویژه ما پس از حذف **باندرا** (Бандер)، سردهسته ناسیونالیستهای اوکراین در سال ۱۹۵۹ در مونیخ، دیگر هیچ وقت به اقدام تلافی‌جویانه دست نزد.

- پس پاسخ شما به ادعای کالوگین دایر بر کار مشترک اداره "کا" و اطلاعات بلغارستان در لندن، که آ. مارکوف (A. Марков)، مخالف و فراری از بلغارستان، شاغل در فرستنده رادیویی بی بی سی، در سال ۱۹۷۸ در نتیجه "تزیق با چتر" جان سپرد، چیست؟

- اداره ویژه ما در قتل آ. مارکوف، این نویسنده فراری بلغاری، مخالف و کارمند بخش بلغارستان رادیو بی بی سی در لندن هیچ دخالتی نداشت. این عملیات را فقط سازمان امنیت بلغارستان می‌توانست انجام دهد. به خصوص این که او شهروند بلغارستان بود نه اتحاد شوروی! اما اولگ کالوگین به دروغ این عملیات را به اداره ضداطلاعات خارجی ما نسبت می‌دهد.

پس از این اظهارات کالوگین، رئیس جمهور وقت بلغارستان (۱۹۹۱-۱۹۹۴) او را برای ادای توضیحات جزئیات امر به بلغارستان دعوت کرد. اما کالوگین با این ادعا مثل سایر مدعیات خود بازی کرد تا بتواند به حساب دعوت آن کشور، بار دیگر به صورت رایگان به سراسر جهان سفر کند. از قضاء، او با ادعاها، مصاحبه‌ها و اظهاراتش بسیاری از مأموران ما را لو داد.

- منبع مهمترین عنصر برای اطلاعات در هر کشور است. مسؤلان وزارت امنیت ملی و سازمان "سیا" برای ایمنی مأموران خود تا چه حد خوب توجه داشتند؟

- مسؤلان سازمان "سیا"ی امریکا از روش متفاوت از ما برای کار با جاسوس استفاده می‌کردند. مأمور اداره کل یکم ما با آن جاسوس یا جاسوسان از امریکا کار می‌کرد، که خودش، یک مأمور مخفی و معاونش، او یا آنها را می‌شناختند. اما کارکنان سازمان "سیا" چنین روشی داشتند، که همه عوامل عملیات مخفی امریکا در هر کشوری تمامی مأموران امنیتی خود در اتحاد شوروی را می‌شناختند. به عنوان مثال، جاسوس سازمان "سیا"، **طراح آ. تولکاجف (A. Толкачев)** را همه مأموران مخفی سازمان "سیا" در مسکو می‌شناختند.

- چرا آنها چنین کار می‌کردند؟

- برای این که هر وقت می‌خواستند با او تماس بگیرند، سه ماشین از سفارت امریکا به حرکت در می‌آمد، و از یکی از آنها که تحت نظر نبود، مأمور برای ارتباط مخفیانه یا ملاقات با عامل پیاده می‌شد. اتومبیل‌های دیگر به عنوان پوشش و برای انحراف توجه مأموران اداره ضداطلاعات و نظارت وزارت امنیت ملی استفاده می‌شدند. ناظران وزارت امنیت ملی هم می‌دانستند، که هر یک از مأموران سازمان "سیا" که تحت نظرشان هستند، ممکن است با عامل ما مواجه شوند، زیرا، مأمور سازمان "سیا"، عامل خود را به چهره نمی‌شناخت! او این روش کار با عامل خود به آن منجر گردید که ادوارد هاوارد لی (Эдвард Говард Ли) در دوره آمادگی قبل از اعزام به اتحاد شوروی برای کار در مسکو، همه مأموران مخفی سازمان "سیا" در مسکو را می‌شناخت. نکته جالب این که او هیچ وقت در اینجا کار نکرد. زیرا، قبل از اعزام به اتحاد شوروی از کار اخراج گردید.

- بنا بر این، چنین مستفاد می‌شود، که، از آنجایی که شما و مأمور مخفی عوامل خودتان را می‌شناختید، جلوگیری از شکست آنها برایتان آسان بود؟

- بلی، البته. و. مارتینوف (В. Мартынов) از اداره "تی" (جاسوسی فن‌آوری) و س. موتورین (С. Моторин) از اداره "آ" (اقدام فعال) اگر چه همه دانسته‌های خود از عوامل اداره کل یکم در امریکا را افشاء کردند، هیچ اطلاعاتی در باره عوامل دیگر نداشتند! اما این کالوگین، هنگام کار در امریکا به عنوان معاون عامل مخفی اداره کل یکم، تقریباً همه عوامل شبکه مخفی را می‌شناخت. خوشبختانه، نه به طور کامل. اما او در سال ۱۹۶۵، یک مأمور بسیار پر ارزش، لیپکا (Липка) را هم که از طرف "ناسا" در کاخ سفید کار می‌کرد، لو داد.

- آیا به شما، الکساندر الکساندروویچ، دیپلمات‌های سالم سفارت اتحاد شوروی در واشینگتن یا مأموران سیاسی اتحاد شوروی در نیویورک در کار برقراری رابطه با کسانی که در ادامه ممکن بود به اداره ضداطلاعات خارجی تمایل نشان دهند، کمک کردند؟ همچنین، در رابطه با "انجمن بازگشت به میهن" که زمانی به وسیله س. آفرون (С. Эфрон)، شوهر م. سوتایوا (М. Цветаева) تشکیل گردید و پوششی برای شماری از مأموران اطلاعاتی اتحاد شوروی در فرانسه بود، چه؟

- من پاسخ شما را اینطور می‌دهم. از چنین رابطه کارکنان سفارت اتحاد شوروی استفاده می‌شد. و. کامنیف (В. Каменев)، مدیر گروه فرهنگی سفارت اتحاد شوروی در امریکا، در گروهی که من تحت پوشش آن کار می‌کردم، تماس بسیار ارزشمند من با شخصی بسیار مناسب برای کار ما را برقرار نمود. بلی، اولدریچ ایمز (Олдридж Имз) (Эймс)، رئیس شعبه ضداطلاعات سازمان "سیا" از کانال یک دیپلمات به همکاری با ادره کل یکم جلب شد، که ارتباط با او باعث تحریک سوءظن مافوق وی نگردید.

- به اعتقاد شما، ولادیمیر کریوچکوف (Владимир Крючков)، رئیس اداره کل یکم وزارت امنیت ملی برای ایمنی خوب منابع اطلاعاتی خود مثل ایمز چقدر توجه داشت؟ آیا معاونان او از وجود چنین کارمند بلندپایه سازمان "سیا"ی امریکا، مأمور اطلاعات ما اطلاعات زیادی داشتند؟

- پنهانکاری او با اطلاعاتی که یک مأمور برجسته‌های مثل ایمز از سازمان "سیا" می‌داد، فوق‌العاده بالا و محرمانه بود. به ویژه این که، از وجود ایمز، جز استخدام‌کننده او و خود کریوچکوف هیچ فرد دیگری اطلاع نداشت. همه

داده‌های ایمز بی‌واسطه هیچ فرد دوم، به طور مطلقاً مستقیم به دست او می‌رسید، حتا معاون اول او، وادیم کیریپچنکو (Вадим Кирпиченко) از وجود چنین مأمور و موقعیت شغلی وی اطلاع نداشت! او ولادیمیر الکساندروویچ به عنوان رهبر اطلاعات با این روش کار با مدارک ایمز در اداره کل یکم، او را به مثابه جاسوس خود طی سالهای زیاد حفظ کرد!

مأمور مخفی اداره کل یکم در مسکو اطلاعات رسیده از ایمز را به طور مستقیم به نام ولادیمیر کریوچکوف، رئیس اداره کل یکم ارسال می‌کرد و فقط او بعد از بررسی آن، با حذف نام فرستنده، این اطلاعات را در اختیار اداره کل دوم وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی قرار می‌داد.

- پس چه چیز، به نظر حرفه‌نی شما، باعث شکست مأموران اداره کل یکم از میان شهروندان امریکا گردید؟ مگر نه به این سبب، که اف بی آی در قلمرو داخلی امریکا رفتار آزادانه‌تری در مقایسه با فعالیت اداره کل دوم وزارت امنیت ملی در محدوده کشور ما داشت!

- اگر شکست مأموران ما در قلمرو امریکا تا سال ۱۹۸۶ را در نظر بگیریم، این ناشی از خیانت^۳ بود. اما، هنگامی که مأموران ما در حریم داخلی اتحاد شوروی موفق شدند در اثر همکاری و کمک عوامل ما در سازمان "سیا" شبکه‌های جاسوسی "سیا" را در کشور ما متلاشی نمایند، یعنی شکست مأموریت ما در خاک امریکا نافرجام ماند. آنها دو باره در سال ۱۹۹۱، پس از نابودی اتحاد شوروی فعال شدند.

- به اعتقاد شما، چه عواملی به شکست مأموران اداره کل یکم کمک کردند: بی‌احتیاطی در رفتار آنها یا خیانت خودشان؟ چه کسی ایمز و ر. هانسن (P. Ханссена)، نماینده اف بی آی در وزارت امور خارجه امریکا را لو داد؟

- کسی که هم ایمز و هم هانسن را لو داد، یک خائن از میان مأموران سازمان امنیت فدرال روسیه بود و حالا در زندان دوره محکومیتش را می‌گذراند. در اینجا نمی‌توانم نام او را ذکر کنم، اما می‌خواهم بگویم که او برای زندگی به امریکا رفت و پس از آن، در نتیجه عملیات سازمان امنیت فدرال روسیه، در چهارچوب مبادله به مسکو انتقال یافت و محاکمه شد.

- مگر اربابان او در امریکا این احتمال را در نظر نمی‌گرفتند، که مأمور آنها در بازگشت به روسیه دستگیر خواهد شد؟

- به او اجازه دادند چند بار به روسیه بیاید و کاری به وی نداشتند. همین که به حد کافی مدارک جمع‌آوری شد، او را دستگیر نمودند!

- آیا آن هرج و مرجی که در اطلاعات اداره کل یکم وزارت امنیت ملی و سازمان امنیت فدرال روسیه پس تعویض رهبری آنها حکفرما بود، به افشای ایمز کمک نکرد؟ به ویژه خودتان در بالا توضیح دادید که ولادیمیر کریوچکوف با ایمز و اطلاعات او با دقت فوق‌العاده کار می‌کرد.

- بلی، انضباط در رابطه با چنین اطلاعات محرمانه‌ای که از ایمز می‌رسید، پس از ماه اگست سال ۱۹۹۱ در سازمان امنیت فدرال روسیه رعایت نشد.

- آن کارمند سازمان امنیت فدرال روسیه که ایمز را لو داد، اگر در شعبه امریکای جنوبی کار می‌کرد، چگونه توانست او را شناسایی کند؟

- این فرومایه حتما همه مأموران سازمان امنیت فدرال روسیه در امریکای شمالی را، به اضافه آنها، طبیعی که، عوامل سازمان امنیت فدرال روسیه در واشینگتن را هم می‌شناخت.

- به این ترتیب، روشن است. بسیار ممنون از شما، الکساندر الکساندروویچ محترم به خاطر مصاحبه و توضیحات در مورد جزئیات کار پیشتر ناشناخته اداره کل یکم.

۱- اولگ کالوگین: متولد ۱۹۳۴؛ شهروند اتحاد شوروی، روسیه، امریکا؛ کارمند اداره کل یکم وزارت امنیت ملی - (۱۹۵- ۱۹۸۹)؛ غندمشر سابق؛ مرتبط با الکساندر یاکوفلیف.

۲- آناتولی گالیتسین: متولد ۱۹۲۶؛ سرگرد ضداطلاعات؛ مزدور سازمان "سیا"؛ تحویل اطلاعات محرمانه وزارت امنیت ملی به سازمان "سیا"؛ برنده مدال افتخار فرمانده رتبه اول انگلیس؛ در اواخر سال ۱۹۸۴ به تابعیت امریکا در آمد.

۳- اسامی و افشای شمار دیگری از مزدوران "سیا" در این نشانی:

<https://www.youtube.com/watch?v=G6BS85sdBps>

*مأمور باسابقه اداره ضداطلاعات خارجی

<https://kprf.ru/history/date/159594.html>

۲۶ آذر - قوس ۱۳۹۵